



**Jurisprudential and Legal Arguments for Claiming Damages from Public Institutions
With an Emphasis on Economic Damages**

Tahereh Mashayekh¹, Kourosh Ostevar Sangari^{2*}, Mohammad Moghadam Fard³, Hossein Alaei⁴

1. PhD Student, Department of Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:99-112

Article history:

Received:23 Mar 2024

Edition: 24 Apr 2024

Accepted:09 Jul 2024

Published online: 22 Jan 2025

Keywords:

Citizens' Property, Claims for Damages, Economic Losses, Public Institutions, Private property.

Corresponding Author:

Kourosh Ostevar Sangari

Address:

Iran, Shiraz, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Department of Public Law.

Orchid Code:

0000-0001-8135-1360

Tel:

09173150581

Email:

Kourosh_ostovar_s@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aims: Due to their role and activities in society, public institutions carry out activities that may cause damage to citizens in some cases. Therefore, finding jurisprudential and legal reasons for claiming economic damages from these institutions is very important, which is addressed in this research.

Materials and Methods: The method of this article is analytical and descriptive, and the research tool is library.

Ethical Considerations: Documentary referencing and trustworthiness are the basis for writing this article.

Findings: If the activities of public institutions cause damage to citizens, jurisprudential rules such as the sanctity of Muslim property, the prohibition of encroachment on citizens' property and assets, the jurisprudential rule of attribution and the consideration of the rakban can be considered reasons for claiming damages from these institutions. Legal reasons arising from these jurisprudential rules are considered to be the responsibility of public institutions in the event of causing damage to citizens.

Conclusion: If public institutions carry out development and service activities without considering the assets and property of citizens and with the sole aim of expropriating and dispossessing private owners of their goods, properties, and sometimes their property interests, they cause damage and loss to their assets and properties, for which they can claim compensation according to Article 40 of the Constitution.

Cite this article as:

Mashayekh, T; Ostevar Sangari, K; Moghadam Fard, M; Alaei, H. *Jurisprudential and Legal Arguments for Claiming Damages from Public Institutions With an Emphasis on Economic Damages*. Economic Jurisprudence Studies. 2025.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

ادله فقهی و حقوقی مطالبه خسارت از دستگاه‌های عمومی با تأکید بر خسارات اقتصادی

طاهره مشایخ^۱، کورش استوار سنگری^{۲*}، محمد مقدم فرد^۳، حسین علایی^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
۲. استادیار گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
۳. استادیار گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
۴. استادیار گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: دستگاه‌های عمومی به دلیل نقش و فعالیت‌هایی که در جامعه بر عهده دارند، فعالیت‌هایی انجام می‌دهند که در مواردی ممکن است باعث وارد شدن خسارت به شهروندان گردد. از این جهت پیدا کردن دلایل فقهی و حقوقی برای مطالبه خسارت اقتصادی از این دستگاه‌ها بسیار مهم است که در این پژوهش بدان پرداخته می‌شود.

مواد و روش‌ها: روش مقاله حاضر تحلیلی و توصیفی و ابزار انجام پژوهش نیز کتابخانه‌ای است.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش مقاله حاضر، ارجاع‌دهی مستند و امانت‌داری مبنا قرار گرفته است.

یافته‌ها: در صورتی که فعالیت دستگاه‌های عمومی باعث وارد شدن خسارت به شهروندان شود، قواعد فقهی نظیر حرمت مال مسلمین، منع تعرض به مالکیت و دارایی شهروندان، قاعده فقهی تسبیب و تلقی رکیب می‌توانند دلایل مطالبه خسارت از این دستگاه‌ها تلقی شوند. دلایل حقوقی منبث از این قواعد فقهی ناظر بر مسؤولیت‌پذیری دستگاه‌های عمومی در صورت ایراد خسارت به شهروندان تلقی می‌شوند.

نتیجه: دستگاه‌های عمومی در صورتی که بدون ملاحظه دارایی و اموال شهروندان و تنها با هدف استملاک و خلع ید کردن مالکین خصوصی بر اعیان، املاک و گاهی بر منافع اموال آنان فعالیت‌های عمرانی و خدماتی انجام دهند، باعث خسارت و ضرر به اموال و دارایی‌های آنان می‌شوند که حسب اصل ۴۰ قانون اساسی می‌توانند نسبت به مطالبه خسارت اقدام کنند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۹-۱۱۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

دارایی شهروندان، مطالبه خسارت، خسارات اقتصادی، دستگاه‌های عمومی، اموال خصوصی.

نویسنده مسئول:

کورش استوار سنگری

آدرس پستی:

ایران، شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه حقوق عمومی.

تلفن:

09173150581

کد ارکید:

0000-0001-8135-1360

پست الکترونیک:

۱. مقدمه

امروزه قانون و قواعد حقوقی مدون، عناصر اساسی در شکل‌دهی به تحقق حقوق شهروندان و رابطه آنان با نظام سیاسی ایفا می‌کنند. بنابراین با پذیرش حاکمیت قانون که مسلط بر روابط شهروندان با یکدیگر و نظام سیاسی با شهروندان است، بی‌توجهی نسبت به آن باعث هرج و مرج، عدم کنترل و نظارت بر دستگاههای عمومی و تضییع حقوق شهروندان می‌شود که این رویه می‌تواند مهم‌ترین عامل افول و نابودی جامعه باشد. برای همین انسان‌ها خود را نیازمند سازوکاری می‌بینند که بتواند بر نهادها و دستگاههای عمومی حاکم بوده و از تعرض به حقوق دیگران بازدارد. از طرفی دیگر، حفظ نظام اجتماعی و برقرار شدن عدالت، آرمان و آرزوی تمامی آحاد بشر است که حتی عقل به برپایی چنین عدالتی حکم می‌کند و در مذاهب و ادیان مختلف نیز بر آن تأکید شده است. برای تحقق این اهداف، پایبندی به قانون امری فراگیر و عام است؛ بدین معنا که در پرتو حاکمیت قانون به عنوان زیربنای روابط افراد با یکدیگر و روابط نظام سیاسی با شهروندان، الزاماً می‌بایست با ناقضان حقوق شهروندان و کسانی که به قانون و مقررات توجهی ندارند، برخورد مقتضی و متناسبی صورت گیرد. با این هدف که تا تخطی و تعدی آنان از مرزهای معین شده از طرف مراجع ذی‌صلاح و قانون گذار عبور نکرده و باعث مختل شدن زندگی شهروندان نشود.

دستگاههای عمومی اعم از دولتی و غیردولتی که امروزه نقش مهمی در اداره جامعه و ارائه خدمات شهروندان بر عهده دارند، مشمول قوانینی هستند که حتی برای ارائه خدمات و توجیه آن نتوانند به حریم خصوصی افراد حقیقی و حقوقی در عرصه

حقوق اقتصادی آنان ورود و دخالت کرده و باعث ضرر و زیان به آنان شوند. از این رو، قوانین و مقررات باید به نحوی باشد که در راستای حفظ منافع و مصالح جمعی و به منظور تسهیل امکان اداره امور اجرای طرح‌های عمومی و عمرانی قوانینی وضع کند و در مواردی نسبت به تحدید و حتی سلب مالکیت خصوصی مبادرت ورزد در غیر اینصورت اجرای طرح‌ها و برنامه‌های عمومی و عمرانی میسر نمی‌گردد. از سوی دیگر ضرورت اجرای این طرح‌ها و برنامه‌ها که لازمه ارائه خدمات عمومی و ارتقاء شهر است در مواردی تحدید یا سلب مالکیت خصوصی برای دستگاههای عمومی و حاکمیت اجتناب‌ناپذیر می‌شود و در اینجا لازم می‌آید که راهکارهای حقوقی و تطبیق آن با احکام فقهی را بررسی کرد. با این حال و با توجه به رفع و حل این تعارض، دانش فقه و حقوق که نقش مهمی در قانون‌مند کردن اعمال فردی و گروهی در جامعه اسلامی بر عهده دارند، نباید در قبال خواست جامعه و رفع و حل مشکلات آنان حالت منفعلانه داشته باشد، بلکه ضروری است فعالانه عرصه را به دست گرفته و از احقاق حقوق افراد حمایت به عمل آورده و زمینه را برای بهبود اوضاع جامعه فراهم نمایند.

در نظام حقوقی ایران که برآمده از فقه و آموزه‌های شریعت است، مقررات متعددی در باب تحدید یا سلب مالکیت به دلیل حفظ منافع عمومی بخصوص در راستای اعمال حاکمیت به تصویب رسیده است؛ مقرراتی که در باب تحدید و سلب مالکیت اراضی و املاک وضع گردیده است. در همین راستا باید احکام وضعی و تکلیفی فقهی این امور مشخص گردد تا با عنایت به آن بتوان زمینه مساعدی برای منافع همه فراهم کرد. بر این اساس، پژوهش حاضر این پرسش را مطرح

تحقیقات حاضر بخشی از موارد و مصادیق مربوط به خسارت یا مواد قانونی مرتبط با مسئولیت داشتن یا نداشتن دولت و نهادهای دولتی را مطرح کردند که با موضوع پژوهش حاضر نیز همسو هستند، اما از جهت اینکه قواعد فقهی و حقوقی حامی مطالبه و دریافت خسارت شهروندان از مؤسسات عمومی کدام موارد هستند، تحقیق مستقلی صورت گرفته که در این پژوهش تلاش می‌شود به این موارد پرداخته شود.

۲. ملاحظات اخلاقی

در نگارش مقاله حاضر، اصول و قواعد اخلاقی از جمله ارجاع‌دهی، استفاده دقیق و علمی از منابع در دستور کار قرار گرفته است.

۳. مواد و روش‌ها

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و ابزار انجام پژوهش کتابخانه‌ای و مراجعه به متون و منابع اسنادی انجام شده است. تحلیل مطالب نیز به شیوه استنباطی و در نظر گرفتن اصول عملی صورت گرفته که نتایج آن نیز با لحاظ کردن اصول فقهی و قواعد حقوقی انجام شده است.

۴. یافته‌ها

حرمت تعرض به مالکیت و دارایی شهروندان، قاعده تسبیب و مسئولیت‌پذیری دستگاهها و نهادهای عمومی از جهت مشخص نمودن نهاد مربوطه، قاعده، تلقی رکبان به عنوان عملی بازارنده و اثربخش در جلوگیری از تصرف غیرقانونی و غیرشرعی مالکیت شهروندان نقش مهمی در مطالبه خسارت اقتصادی به افراد حقیقی و حقوقی بر عهده دارند. بدین ترتیب با پذیرش قواعد فقهی و مسئولیت‌های دولت اسلامی از حیث احترام به دارایی و اموال

می‌کند که دلایل فقهی و حقوقی مطالبه خسارت از دستگاه‌های عمومی چیست؟

پیرامون بحث دریافت خسارت از دستگاه‌های عمومی و یا تعاملی که با جامعه و شهروندان دارند، تحقیقاتی انجام شده که برخی از آنان بررسی می‌شود:

سامانی و وحدتی شبیری (۱۴۰۰)، مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فقهی حقوقی مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال زیانبار حاکمیتی در قبال شهروندان» به رشته تحریر درآوردند که براساس آن، ماده ۱۱ مسئولیت مدنی دولت، ملزم به پاسخگویی در برابر جبران خسارت شناخته نشده است. بر این اساس دولت به جهت انجام اعمالی که محسن شناخته می‌شود، معاف از جبران خسارت دانسته می‌شود. رحمانی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «تبیین فقهی-حقوقی مسئولیت مدنی دولت در قبال شهروندان» به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به مثابه اصلی برای ایجاد مسئولیت برای دولت در راستای تأمین اجتماعی و در صورت لزوم جبران خسارت ناشی از بدکارکردی در حوزه‌های اجتماعی است.

محقق داماد و جعفری خسروآبادی (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی قاعده مقابله با خسارت بر اساس فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران» این انتقاد را مطرح می‌کنند که مطالبه خسارت در قوانین ایران به صراحت طرح نشده است، اما اصل ۱۶۷ قانون اساسی به صورت ضمنی ناظر بر مطالبه خسارت به نفع زیان دیده است. داراب‌پور (۱۳۷۷) در اثری با عنوان «قاعده مقابله با خسارت» از مسئولیت مدنی در جهت جبران خسارت سخن گفته که هم در عرصه عمومی و رابطه مردم با یکدیگر و هم در تعامل مردم با نظام سیاسی می‌بایست لحاظ شود.

۵. بحث

دستگاههای عمومی اعم از دولتی یا غیردولتی، ماهیتی حقوقی دارند، اما این ماهیت حقوقی بودن باعث نمی‌شود تا آنان در صورت ورود صدمه یا خسارت به منافع مادی یا معنوی افراد و نهادها از مصونیت برخوردار باشند. در این باره هم در فقه و هم در حقوق اسلامی، سازوکارها و ملاک‌هایی لحاظ شده است که اگر خسارت از ناحیه دستگاههای عمومی صورت گیرد، می‌توان نسبت به مطالبه خسارات وارده اقدامات لازم را انجام داد.

۵-۱. قاعده احترام مالکیت

پشتوانه مطالبه خسارت از دستگاههای عمومی توسط شهروندان، قاعده فقهی احترام به مالکیت است که در فقه و حقوق نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. از منظر فقهی در این باره چنین ذکر شده است: غصب سبب ضمان می‌باشد؛ یعنی اینکه مال غصبی بر عهده غاصب است و در صورت تلف شدن یا خسارت دیدن، باید آن را برای مالکش جبران نماید (سبزواری، ۱۳۸۳، ۲۹۲/۲۱-۲۹۳). با بهره‌گیری از این قاعده فقهی باید گفت که اگر نهادهای عمومی اعم از دولتی یا غیردولتی اگر در هر شرایطی، ملک یا مالی را غصب کرده باشند، مطالبه خسارت از آنان امری بدیهی است. از منظر فقهی و حقوقی، مداخله شخص با عنوان مالک بودن در بحث موردنظر خود، به ویژه دارایی مشخص، با شرایطی ویژه از منظر قانونی، گواهی مالکیت شخصی است که به تصرف درآورده، مگر اینکه برخلاف چنین رویه‌ای باشد. در فقه از این قاعده با عنوان «أماره ید» یاد شده که مستند آن ماده ۳۵ قانون مدنی ایران است (امامی، ۱۳۹۷: ۵۲-۵۱)، ضمن اینکه موضوع یاد شده در مرحله اجرا و اثبات حق شناخته می-

شهروندان این یافته حاصل می‌گردد که اجرای طرح‌های عمومی ملازمه با سلب حقوق مالکانه است، تامین و جبران این حقوق، در نظام حقوقی ایران از باب قاعده لاضرر و همچنین دارا شدن غیر عادلانه، امری پذیرفتنی و غیرقابل انکار است و در اصل چهلم قانون اساسی نیز بیان شده است: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار بدهد». از سویی تصرف شدن ملک توسط نهادها و دستگاههای عمومی همیشه هم بدون دردسر نیست و گاهی مشکلاتی را به وجود می‌آورد. یکی از مواردی که ممکن است در تصرف ملک توسط دستگاههای عمومی به وجود آید این است که برخی حقوق فرد صاحب ملک را از بین ببرد و منجر به نا رضایتی فرد می‌شود. برای حل این مشکل قوانینی طرح شده‌اند که همه دستگاههای عمومی اعم از دولتی و غیردولتی این قوانین را رعایت کنند. برای مثال شهرداری وقتی ملک فرد را تصرف می‌نماید تلاش می‌کند تا با پرداخت هزینه به مالک و... رضایت او را جلب نماید و حقوق او نیز نادیده گرفته نمی‌شود. به نظر می‌رسد توسعه حقوق شهروندی در این زمینه نیازمند طرح قوانینی اختصاصی برای حمایت از اموال و دارایی شهروندان در پرتو اصول قانون اساسی از جمله اصل ۴۰ است. زیرا در حکومت اسلامی، رضایت مالکین و احکام تکلیفی و وضعی که بر تصرف املاک خصوصی که واقع در طرح‌های عمرانی شهرداری صورت می‌گیرد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و از نظر شرعی و قانونی نیازمند لحاظ نمودن حقوق عامه است و نمی‌تواند بدون ملاحظه منافع و دارایی افراد، نسبت به انجام امور عمرانی و خدماتی اقدام نمود.

مالکیت یاد کرده‌اند. علاوه بر حکم «لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل» در آیه ۱۸۸ از سوره بقره و آیه ۲۹ از سوره نساء، روایاتی مانند «المسلم أخو المسلم لا یحل ماله إلا عن طیب نفس منه مال المسلم و دمه حرام» و «مال المسلم» همانند خون مسلم حرمت دارد. (احسائی، ۱۴۰۵ق، ۴۷۳/۳). نیز آمده است.

سبب ضمان در این قاعده احترام مال می‌باشد که در صورت عدول از این شروط، حتی دستگاه‌های عمومی می‌بایست نسبت به خسارت وارده بر علیه اموال اشخاص و نهادها اقدامات جبرانی انجام دهند. زیرا پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «همچنان که جان مسلمان محترم است مال او هم محترم است حال هر گاه کسی به دلخواه مال خود را در معرض تلف قرار بدهد یا آن را بدون عوض به دیگری بدهد خود احترام مال خود را از بین می‌برد و نمی‌توان دیگری را مسئول و ضمان آن دانست». مال فردی بر شخص دیگری حلال نیست، تنها با رضایت صاحبش، به این علت که وقتی، صاحب دارایی با اذن خود و بدون عوض، مال خود را به دیگری اعطا کند، نمی‌تواند از وی متوقع باشد که عوض مال را به او برگرداند (محمدی، ۱۳۸۸، ۲۲۶)، مقصود از احترام به اموال دیگران، عدم دخالت و تصرف، تعرض به اموال دیگران و در صورت مداخله، نیز مطالبه جبران خسارت است که البته این قاعده، مشمول قواعد امضایی بوده که اخبار و روایات متعددی بر صحت آن قابل ذکر است.

با اثبات شدن حق مالکیت برای یک فرد نسبت به یک مال معین، هر گونه مداخله و استیلائی مادی و حقوقی وی در آن ملک مجاز است و او می‌تواند آن را در اختیار خود بداند و در آن تصرف کند و هر عملی از جمله فروش، انتفاع از

شود؛ نه مرحله اثبات حق و مشخص نمودن موارد آن نیز توسط عرف معین می‌شود. بنابراین مداخله و به تصرف درآوردن مال توسط شخصی به غیر از مالک اصلی، ولو با گذشت زمان، حسب رویکردهای مذاهب اسلامی نمی‌تواند باعث اسقاط حق مالک واقعی یا ثبوت حق برای شخص تصرف کننده شود.

بر مبنای قاعده فقهی احترام مالکیت، اموال افراد قابل احترام شمرده می‌شود و تصرف و مداخله غیر قانونی نسبت به آنان نیز منع شده است (نجفی، ۱۴۳۲، ج ۳۲، ۵۹۹-۳۸۲). با استناد به این حکم حتی دارایی شخص مسلمان و یا شخصی که تحت عنوان کافر ذمی از او یاد می‌شود، قابل احترام دانسته است و افراد دیگر نباید به هر دلیلی باعث تعرض به اموال و دارایی‌شان شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹، ۶۳۴). بنابراین قاعده احترام به مالکیت، فراگیر و دربرگیرنده منافع خصوصی همه شهروندان است که نباید به هر بهانه‌ای مورد تعرض و تعدی قرار گیرد. این قاعده بیانگر آن است که تصرفات افراد در اموال و دارایی خود وابسته به رعایت حقوق دیگران و محترم شمردن آن است (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ۱۴۷۱). نتیجه اینکه قاعده احترام مال از این منظر که به تصرف درآوردن و به دست آوردن مال غیر قانونی بر مال دیگری، موجب ضمان است و شخصی که باعث اعراض مال دیگری گردد، باعث نقض احترام مال دیگری نیز می‌شود. به تعبیر اندیشمندان و فقهای اسلامی این قاعده تحت عنوان قاعده تکلیفی (حرمت) احکام وضعی (نظیر ضمانت) است و مشمول آن قرار می‌گیرد. به همین دلیل مصون بودن مال دیگری و احترام به آنها تحت یک قاعده قرار گرفته که روایات و رویکردهای فقهی از آن به عنوان احترام اموال و

۵-۲. قاعده تسبیب و مسؤولیت پذیری

قاعده تسبیب به عنوان یکی از قواعد فقهی، می‌تواند تشریح کننده مسؤولیت نهادهای عمومی دولتی و غیردولتی در قبال حقوق افراد در جامعه اسلامی باشد. تشریح این قاعده فقهی از منظر اهمیت افعال و رفتار انسانی در قبال رفتارهایی است که به جامعه آسیب می‌رساند، اما مسؤولیت افراد و نهادها درباره آن روشن نیست. زیرا در تسبیب، عقیده بر این است که اگر فعلی از سوی فاعل مختار و عاقل صادر شود و آن فعل باعث اتلاف مال و جان مسلمانان شود، وی در قبال عملی که ضرررسانی می‌کند، ضامن است (بجنوردی، ۱۳۹۶: ۲۸). به عبارت دیگر، هر گونه عملی که از سوی افراد با هدف تزییع حقوق دیگران انجام شود، فاعل آن در قبال آن عمل، ضامن است و در صورت مشخص شدن تزییع حق دیگران، حرام بودن آن عمل مسلم است (منتظری، ۱۳۷۳، ج ۲: ۵۷۹). بر مبنای این قاعده فقهی، اگر میان فعل فرد و افراد و آثاری که بر اتلاف منابع و دارایی مسلمانان وارد می‌سازد، ارتباطی دیده شود، عمل فرد، مصداق اتلاف تلقی شده و وی ضامن است. در این باره از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که می‌فرمایند: «هرکس به سبب چیزی در راه مسلمین ضرر وارد نماید، ضامن پیامدهای آن عمل است» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۱۹: ۱۸۱). بر مبنای قاعده ذکر شده، هر عملی در نوع خود مسؤولیتی به دنبال دارد و شانه خالی کردن از رفتارهای خود نشانگر بی‌توجهی به حقوق آحاد مردم است. این موضوع در بررسی رفتارهای دولتمردان و تصدیق اشتباهات و خطاها بسیار مؤثر است که در صورت نادیده گرفتن مالکیت افراد نوعی بی‌توجهی به

منابع آن و... در اختیار وی است. اصل مجاز بودن تصرف مالک در ملک خود با عنوان «قاعده تسلیط» در فقه و حقوق، به‌ویژه ماده ۳۰ قانون مدنی آمده است که بر مبنای آن: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.» مورد قبول واقع شده است (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۲/ ۱۲۰؛ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱۶/ ۲۴۴، ۲۴۷). اصل ذکر شده در مواردی به دلیل عوامل مختلفی، مخصوصاً به دلیل وضع خاص مالک یا وجود خصوصیتی در مال یا آثار ناروای تصرف، استثنا شده یا با محدودیت مواجه شده است. بر مبنای همین قواعد فقهی، حقوق اسلامی نیز به حمایت از دارایی و مالکیت خصوصی افراد پرداخته است و قواعدی نیز وضع نمود. از جمله این که در قانون مدنی ایران «قاعده ید» که از آن با عنوان «تصرف» یاد می‌شود، به عنوان اماره تصرف می‌داند؛ و آن را هم در اعیان و هم در منافع و هم در حقوق جاری و حاکم می‌دانند. بر اساس ماده ۳۵ قانون مدنی ایران «تصرف به عنوان مالکیت، دلیل بر مالکیت می‌باشد، مگر آن که خلاف آن ثابت شود.» تصرف به عنوان مالکیت یعنی این که فرد مالی را در تصرف فعلی خود دارد و هر نوع انتفاعی را بتواند از آن ببرد و مدعی مالکیت آن مال است (محقق داماد، ۱۳۹۹: ۵۸). در این صورت اگر نهادها و دستگاههای عمومی به هر دلیلی و بدون توجه به مالکیت افراد، اقدام به تصرف و تخریب اموال و دارایی افراد نمایند، مستوجب پیگیر قانونی و در صورت ورود خسارت، می‌بایست اقدام به پرداخت خسارت به فرد یا افراد متضرر نمایند.

خساراتی است که مسؤولیت آن بر عهده دستگاه‌های عمومی است.

عدم پذیرش مسؤولیت به دلیل آنکه، فاعل را در قبال اعمال و رفتارهای خود ضامن نمی‌داند، مصداق نادیده گرفتن حقوق شهروندان از حیث نقش نهادها و دستگاه‌های عمومی و مرتبط با ارائه خدمات به آنان است. همچنین از جهتی دیگر، فرصت‌های برابر را از سایر مسلمانان سلب می‌نماید، مصداق قاعده تسبیب بوده و عملی حرام است. به‌عنوان مثال، فعالیت‌های اقتصادی سیاستمداران و مقامات صاحب نفوذ دولتی حتی اگر منشأ اولیه فساد هم نداشته باشد، تداوم و استمرار آن به فساد منجر می‌شود. زیرا آنان به اطلاعات و مجوزهای دولتی دسترسی داشته و از موقعیت و توان استفاده از آن برخوردار هستند. این امر سبب ایجاد انحصار و رانت‌خواری و نهایتاً فساد مالی و اقتصادی می‌گردد که نمونه بارز تباه شدن اموال است. بدین خاطر در بسیاری از کشورها با تصویب قوانین خاص، سعی نموده‌اند با محدود کردن فعالیت‌های اقتصادی مقامات صاحب نفوذ از بروز رانت‌خواری توسط این مقامات جلوگیری نمایند (فرج‌پور، ۱۳۸۳، ۱۸۸).

همین رویه اگر در عرصه شناسایی مسؤولیت نهادها و دستگاه‌های عمومی و نقش مخرب آن بر تضييع حقوق شهروندان لحاظ نشود، خسران عظیمی برای جامعه اسلامی است.

بدین ترتیب از منظر فقهی و نقش این قاعده فقهی در جلوگیری از تضييع حقوق اقتصادی شهروندان باید گفت که اول، تسبیب در شرایطی باعث ایجاد مسؤولیت می‌گردد که از نظر عرفی، عمل یک فرد یا نهاد منجر به تجاوز و عدوان شود. برخلاف آنچه در ائتلاف مطرح می‌شود، تقصیر از جمله ارکان مسؤولیت تلقی می‌شود.

دوم، بر مبنای قاعده فقهی غرور، در شرایطی که شخص باعث انجام عملی شود، که در نتیجه آن منجر به موجب فریب دیگری گردد و آن فریب خورده باعث ضرر رسانیدن به دیگری شود، شخص که از اول باعث فریب می‌شود، ضامن است (محقق داماد، ۱۳۸۸، ۱۱۸ و ۱۴۸). بدین ترتیب اگر قوانین مرتبط با پرداخت خسارت و مسؤولیت مدنی را ملاحظه کنیم، این نتیجه حاصل می‌شود که در حقوق ما، تأکید بر مسؤولیت مبتنی بر تقصیر است؛ یعنی چنانچه فردی اعم از حقیقی یا حقوقی، بنا به جواز قانون، عملی مرتکب شود که باعث ورود خسارتی به دیگری گردد، تا وقتی که قانون عمل آسیب زنده وی را غیر قانونی در نظر نگیرد، چنین شخصی به عنوان مسئول پرداخت خسارت متحمل شده در نظر گرفته نمی‌شود. در واقع، از جمله ضرورت‌های زندگی اجتماعی از جمله در شهرهای بزرگ، برقراری محدودیت‌هایی در حقوق مالکانه اشخاص است و اگر این محدودیت‌ها، با استناد به به قوانین و مقررات انجام شود، نمی‌توان آن را به عنوان ضرر تلقی نموده و مطالبه خسارت را خواستار شد. اجرای بخشی از طرح‌های عمومی که باعث ایجاد محدودیت‌هایی برای حقوق مالکانه افراد می‌شود، در زمره همین موارد است. به عنوان مثال شهرداری به عنوان یک دستگاه عمومی غیردولتی، اقدام به اجرای طرح‌های عمرانی می‌کند که توسط مراجع قانونی به تصویب رسیده است و بیانگر نوعی محدودیت مراجع صالح قانونی است. بر این اساس نمی‌توان شهرداری را مقصر دانست و به واسطه سخت‌گیری‌ها و محدودیت‌هایی که ایجاد می‌شود، از او مطالبه خسارت کرد. بدین ترتیب دستگاه‌ها و نهادهای دولتی برای انجام امور عمرانی خود نیازمند تصرف در برخی از

بودن ملکیت را به مطلع بودن و اثبات قطعیت از فاسد بودن سبب ملکیت مشروط کرده که البته با در نظر داشتن شرایط دیگری، تصرف در برخی موارد باعث ضمان خواهد شد (حسینی‌مراغی، ۱۴۲۵، ۱/۲). از این منظر تصرف بدون جواز یا جلب رضایت هریک از افراد ذکر شده از جانب دستگاههای عمومی دولتی نیازمند رسیدگی دقیق و مطالبه خسارات وارده است.

۵-۳. قاعده حرمة مال المسلم

احترام به دارایی و اموال مردم همواره در فقه و حقوق اسلامی مورد توجه بوده و پشتوانه آن نیز قاعده «حرمة مال المسلم» است. مستند این قاعده، آیه شریفه ۲۹ سوره نساء است که می‌فرماید: «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَیْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِیمًا». «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید؛ مگر این که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد. و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است». علاوه بر آیه، احادیث و روایاتی نیز وجود دارد که بر مبنای آن، به دفاع از اموال خصوصی مسلمانان و ضرورت حمایت از آن استناد می‌شود. از جمله: «خون و مال مسلمانان جز با رضایت خاطر او حلال نیست» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۹: ۱۰). معنای قاعده احترام به دارایی مسلمان این است که، نظیر آنچه درباره محفوظ بودن خون مسلمان جاری است، درباره اموال او نیز جاری بوده و می‌بایست از تعرض دیگران حفظ شود. همین حرمت مال نیز انگیزه‌ای برای فرد می‌شود که حاصل و نتیجه کار خود ملموس مشاهده کرده و از نتایج آن نیز بهره‌بردار. بنابراین آثار قاعده حرمت مال مسلمان به نحوی می‌تواند باعث افزایش انگیزه

اموال برای تعریض جاده، ساختن پل، تغییر کاربری و... هستند. اما این فرایند نباید به نحوی باشد که باعث ضرر رساندن به اموال شخصی شهروندان گردد و خسارات اقتصادی بر آنان تحمیل نماید. در این میان مجانین، کودکان و مفلسان و افراد ناتوان نیازمند توجه خاصی هستند. توضیح اینکه تصرف مالک در مواردی که مالک کودک و مجنون و سفیه و مُفلس است، پاره‌ای تصرفات تبرعی یا معاوضی که باعث زیان به حق ورثه شود، ممنوع است و همچنین ممنوعیت مالک از مداخله و تصرف با در نظر گرفتن خصوصیتی در مال است؛ نظیر مجاز نبودن اکتساب با آن، همان طور که در اعیان نجس، ابزارهای قمار و... علاوه بر حرمتی که از منظر تکلیفی بیان شده، آثاری وضعی نیز قابل مشاهده است. در بعضی موارد، بدست آوردن مال، از جهت آثار زیانبار و مخرب ناشی از آن که البته برای سایرین است، منع شده است؛ از جمله تصرفاتی که منجر به ضرر وارد کردن به نزدیکان شود. مستند این حکم، هم در احادیث و هم در قاعده‌لاضرر مورد توجه بوده است (نجفی، ۱۴۳۲، ۵۲-۵۰/۳۸؛ زحیلی، ۱۴۲۷، ۵/۶۱۰-۶۱۲). بدین ترتیب تصرفی که باعث ضرر رسانیدن به دیگری یا مداخله در مال دیگری شود و همچنین با رضایت صاحب مال صورت نگیرد، فضولی و غیرنافذ در نظر گرفته می‌شود و تا زمانی که اجازه صاحب آن نباشد، ناصحیح است. به عبارت دیگر، این شیوه از تصرف، عدوانی و موجب ضمان خواهد بود (حسینی‌مراغی، ۱۴۲۵، ۱/۲). علاوه بر این، مداخله و تصرف در مال به دلیل ایجاد اسباب فسادآور ملکیت در نزد فقها جایگاهی نداشته و مذموم شمرده شده است و حکم آن نیز بازگرداندن مال است. البته بعضی از فقها حرام

کاری فرده و باعث ارتقای روان فرد انجام دهنده کار نیز شود. در سوی مقابل، تعرض به اموال افراد و نادیده گرفتن حقوق آنان به منزله بی‌اعتمادی به آنان و ترویج بذریع بی‌اعتمادی در جامعه است. در هر صورت بر مبنای ادله فقهی، تعدی بر مال مسلمانان بدون اذن وی جایز نیست (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۹: ۹). یا حتی از منظر عقلی نیز استدلال شده است که به حکم عقل، تصرف در مال غیر بدون اذن او از چیزهایی است که شکی در آن وجود ندارد (موسوی خویی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۵۳۶). همه موارد نشان دهنده آن است که احترام گذاشتن به اموال و دارایی انسانی، پشتوانه یک نظام اجتماعی و اقتصادی عادلانه در جامعه اسلامی محسوب می‌شوند. وضعیت مقابل این نظم مطلوب آن است که مراجع دولتی بدون کسب اطلاع از مراجع قانونی و برحسب سلیقه و گزینشگری، وارد حریم خصوصی (اموال) مسلمانان شوند، بی‌اعتمادی نسبت به رفتارهای آنان و سرپیچی از قانون بیشتر می‌شود. در این صورت مطالبه خسارت از این نهادهای فراقانون امری بدیهی و حقی شهروندی است.

با توجه به اهمیت حرمت تعرض به مال و دارایی شهروندان در رویکرد اسلامی، فقه شیعه در موارد متعددی، تعرض به دارایی و اموال افراد را نادرست، ممنوع و مصداق ظلم دانسته است؛ تا جایی که در شرع نیز، حق مردم بر دارایی‌شان به عنوان یک اصل مسلم فقهی دانسته شده و در همین زمینه نیز روایتی از رسول خدا نقل شده است که می‌فرمایند: «الناس مسلطون علی اموالهم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۷۲). باز در همین زمینه روایت ابی بصیر از امام جعفر صادق قابل ذکر است که ایشان فرمودند: «صاحب مال مختار است تا وقتی که زنده است اموال خویش را همان

طور که خواست، مصرف نماید (جرعاملی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۹، ۲۹۷). یا در همین راستا نیز در جایی دیگر چنین آمده است که یکی از فقها داشته است: هروقت مردم بر اموال خود مسلط باشند، چنان که در حدیث نبوی نقل شد، بر جان‌هایشان به طریق اولی مسلط خواهند بود؛ یعنی هیچ کس حق ندارد آزادی فردی آنان را محدود کند و بدون رضایت آنان در اموراتشان مداخله کند و چون بر نفس خود مسلط هستند، می‌توانند کسی را ولی خود قرار دهند. همچنین در تأیید حق شهروندان بر مطالبه خسارت از نهادها و دستگاههایی که به صورت غیرقانونی و غیرشرعی اموال مردم را مورد تهدید قرار می‌دهند، گفته شده است که وقتی مردم بر اموالشان تسلط دارند، به تبع آن، بر جان خود نیز حاکم هستند. بدین ترتیب فردی یا نهادی بدون کسب رضایت و اجازه آنان اجازه سلب آزادی‌ها و مداخله در شئون و مقدراتشان را ندارد. از طرف دیگر حاکم شدن یک نظام سیاسی نیز و اداره امور جمعه نیز نیازمند مداخله در دارایی و جان‌های مردم و تعیین محدوده آزادی‌های مشروع آنان است و راهکار جمع این دو (سلطه مردم بر دارایی و جان‌هایشان و همچنین قوام حکومت برای مداخله در این دو امر) آن است که دولتی برآمده از رضایت مردم یا دست کم مورد تأیید آن زمام امور را در دست داشته باشد (سبحانی، ۱۳۹۱ق: ج ۲، ۲۰۵). البته باید توجه داشت استدلال به دو نکته فوق زمانی تمام است که حفظ نظام را به لحاظ عقلی یا شرعی واجب بدانیم. اما در صورت پذیرش این حالت و شرایط، حقوق اقتصادی شهروندان قابل احترام است و تهدید منافع اقتصادی آنان به منزله نقض حقوق شهروندی

تلقی شده و از این رو مطالبه خسارت نیز امری بدیهی و محفوظ برای خسارت دیدگان است.

۴-۵. تلقی رکبان و مطالبه خسارت

اموال و منافع اقتصادی

برای توضیح قاعده فقهی تلقی رکبان به روایات و سیره معصومین (ع) استناد شده است. در ارتباط با قاعده فقهی اخیر گفته شده هنگامی که کاروان تجاری قصد ورود به شهری را دارند و افرادی میدانند که قافله‌ای در راه است. به همین منظور نیز از شهر خارج می‌شوند و به استقبال کاروان می‌روند. قبل از اینکه وارد شهر شوند با آنها معامله می‌کنند و اجناسی را می‌خرند و یا می‌فروشند. با در نظر گرفتن شرایطی، این کار نهی شده است؛ از منظر مسافت، اگر چهار فرسخ فاصله آن دورتر باشد و از قیمت‌ها مطلع باشند اشکال ندارد و این مسافت و معامله تجاری محسوب می‌شود، اما اگر فاصله کمتر باشد و اهل کاروان از قیمت‌های داخل شهر خبر نداشته باشند و از آنها سواستفاده کنند و با آنها به قیمت بالا معامله کنند، این تلقی رکبان است. چه بسا کالایی در شهر ۱۰۰ واحد قیمت دارد و آنها ۲۰۰ واحد به اهل کاروان بفروشند؛ یعنی از رانت اطلاعاتی برای درآمدزایی سوء استفاده کرده باشند. در این صورت وقتی اهل کاروان داخل شهر شوند و از قیمت‌ها مطلع شوند و قیمت خیلی متفاوت باشد و متوجه ضرر خود بشوند، آن وقت حق خیار دارند و می‌توانند معامله را فسخ کنند چون از قیمت واقعی اطلاع نداشته‌اند (شافعی، ۱۴۰۳: ج ۵: ۲۰۴). بنابراین با مبنا قرار دادن این قاعده فقهی، اگر دستگاههای عمومی به هر نحوی چه در مزایده اموال عمومی، چه در نادیده گرفتن حقوق مالکان و افراد حقیقی و حقوقی و در نهایت به دست گرفتن این اموال،

مصادق تضييع حقوق شهروندان بوده و در صورت اثبات تخلف نیازمند رسیدگی و در صورت لزوم، جبران خسارت افرادی است که به هر نحوی منافع آنان تهدید یا تضييع شده است.

همچنین جواهرالکلام تلقی رکبان را حرام دانسته است (نجفی، ۱۴۳۲، ج ۲۲: صص ۴۷۶). بدین ترتیب، تلقی رکبان در این صورت که نوعی فریب دادن دیگری محسوب می‌شود و حتی از نوعی پیش دستی عامدانه برخوردار است، باعث تضييع حقوق دیگری می‌شود. این موضوع چه در نزد دولت و یا نهادهای دولتی و چه از سوی افراد حقیقی صورت گیرد، آثار نامطلوب اجتماعی و اقتصادی در پی داشته و به همین دلیل از سوی فقهای اسلامی حرام دانسته شده است. همچنین ممکن است که دستگاههای عمومی با بهره‌گیری از اطلاعات موجود، زمینی یا محدوده شهری را که در آینده می‌تواند واجد ارزش باشد، با قیمت کمتری خریداری نموده و در آینده نیز آن را فروخته و از منافع آن بهره‌مند شوند. رویه اخیر، آشکارا نشانگر نقض حقوق اقتصادی شهروندان بوده و در صورت وقوع، مشمول پرداخت خسارت اقتصادی به فرد یا افراد خسارت دیده است.

در موارد مختلفی از لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی و عمرانی و نظامی دولت (ل. ق.ن. خ)، قانون گذار با استفاده از کلمه مالک یا مالکین، حق مالکیت را در زمان اجرای طرح‌های عمومی، قابل احترام می‌داند و دارنده این حق را مستلزم حمایت و دریافت تاوان و خسارات مایملک خود می‌داند. آنچه به نظر می‌رسد این است، در صورتی که حق مالکیت کسی، در معرض و مسیر طرح‌های عمومی قرار بگیرد، دستگاه عمومی نظیر شهرداری تحت عنوان مجری طرح، بایستی از

همچنان که قاعده فقهی مذکور ناظر بر ویژگی مطلق بودن حق مالکیت است (صفایی، ۱۳۹۲: ۱۶۸). قانون اساسی ایران در اصل چهلم مقرر می‌نماید: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار بدهد. در مورد احترام به مالکیت و حمایت از مالک، ضوابطی را تعیین نموده است. دارنده حق مالکیت، نه تنها نسبت به موضوع حق مالکیت، دارای سلطه و اقتدار است، بلکه بر توابع مال نیز مثل ثمرات و منافع و نیز فضای محاذی و قرار زمین درمورد زمین، سلطه و اختیار دارد (بهشتیان، ۱۳۹۸، ۶۱). در اینجا با توجه به حق مالکیت بر منافع از سوی افراد حقیقی و حقوقی مواجه هستیم و از سوی دیگر تسلط نامشروع دستگاه‌های دولتی بر اموال مردم از جهت سوءاستفاده از جایگاه خود نیز امری غیرشرعی و غیرقانونی است. بر این اساس و با در نظر داشتن قوانین و مقررات موجود، دستگاه‌های عمومی در زمان اجرای طرح‌های مورد نظر اعم از عمرانی یا مرتبط با تغییرات کاربری در محیط‌های شهری و روستایی، امکان دارد با ملکی مواجه شود که منافع آن برای مدتی به دیگری تعلق داشته باشد و شخصی غیر از مالک، حق مالکیت بر منافع آن ملک را داشته باشد. در این شرایط، با توجه به مقررات موجود، به ویژه مواد ۱ و ۳ (ل.ق.ن.خ)، این حق مورد احترام واقع شده است و دستگاه مجری طرح، که در اینجا دستگاه‌های عمومی دولتی مورد نظر می‌باشد، مکلف می‌باشد، این حق را به رسمیت بشناسد و تاوان آن را بپردازد. این پرداخت بها و تاوان به معنای در نظر گرفتن خسارات اقتصادی برای افراد حقیقی و یا حقوقی متضرر از شرایط موجود است.

عهده ضرر و زیان وارده شده به حق مذکور برآید. بدین ترتیب از ویژگی‌های حق مالکیت می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- مطلق بودن حق مالکیت : صاحب این حق اجازه دارد که هر نوع تصرفی را که در مال خود داشته باشد و هر نوع بهره‌ای را که از آن خواست ببرد، مگر اینکه به موجب قانون استثنا شود (ماده ۳۰ ق.م). (صفایی، ۱۳۹۹، ۱۶۹).

انحصاری بودن حق مالکیت: این امر بدان معناست که تنها شخص مالک یا افرادی که از سوی وی اذن دارند؛ مجاز خواهند بود از ملک وی استفاده و بهره‌برداری کنند و سایرین از این حق منع شده اند. ماده ۳۱ ق.م در این رابطه آورده است: «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون نمود مگر به حکم قانون» که امروز انحصاری بودن مالکیت خصوصی از جهات مختلفی محدود شده است (محقق داماد، ۱۳۹۹: ۱۴۴):

- دائمی بودن حق مالکیت : زمانی که فردی مالک چیزی شد، تا زمانی که مالک آن می‌باشد - بدون مقید بودن به زمانی خاص - می‌تواند از آن استفاده و بهره‌برداری کند (همان، ۱۲۴).

بدین ترتیب قانونگذار به این وصف در هیچ یک از مواد قانون مدنی تصریح نکرده است (کاتوزیان، ۱۳۹۹، ۱۰۴) حق مالکیت، دائمی می‌باشد و طبیعت آن با موقتی بودن منافات دارد. بطوری که در قانون مدنی هم با مرگ مالک، مالکیت از بین نخواهد رفت و فقط ممکن است به یکی از اسباب انتقال به دیگری واگذار شده باشد (همان، ۱۰۴) قاعده فقهی «الناس مسلطون علی اموالهم»، ناظر به هر سه ویژگی حق مالکیت می‌باشد (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

۶. نتیجه

حقوق شهروندان در جامعه اسلامی امری وابسته به عملکرد دولت و نهادها و مؤسسات وابسته به آن است؛ بدین معنا که هم عواید ناشی از خدمات و اعمال دولت و هم نتایج نامطلوب عملکرد آنان می‌بایست در چارچوب قواعد مشخصی عمل نموده تا از تحمیل ضرر و زیان به شهروندان جلوگیری به عمل آید. از جمله موارد مهم در زمینه مطالبه حقوق شهروندان از جمله موضوع دریافت خسارت از دستگاههای عمومی در مواردی است که این نهادها و مؤسسات وابسته به دولت یا بخش خصوصی به نحوی عمل کنند که باعث تحمیل ضرر و زیان بر اموال خصوصی و عمومی شهروندان شوند. در این زمینه نیز قواعد مهم فقهی نظیر تسبیب و مسؤولیت پذیری، تلقی رکبان و حرام بودن دسترسی به اطلاعات برای خرید اموال شهروندان و فروش آنان با قیمت بالاتر در دوره‌های بعدی، قاعده احترام به مالکیت عمومی و خصوصی و حرمت دارایی و اموال مسلمین، تضامین لازم برای مطالبه خسارت از سوی شهروندان را ایجاد می‌کنند. بدین معنا که تخطی دولت و دستگاههای عمومی از قواعد یاد شده به منزله تضییع اموال شهروندان محسوب شده و نیازمند مطالبه خسارت و پرداخت غرامت به آنان است. بدین ترتیب دستگاهها و نهادهای عمومی برای آنکه بتوانند اهداف و چشم انداز اقتصادی جامعه اسلامی را ارتقا ببخشند نیازمند آن است تا در چارچوب قانون، هم شرع و هم قواعد حقوقی عمل نموده و از اعمالی که باعث تضییع حقوق شهروندان می‌شود، پرهیز نمایند. قاعده تسبیب بی مسؤولیتی دستگاههای عمومی اعم از دولتی و غیردولتی را نمایان ساخته و بر پاسخگویی در برابر قانون و جلوگیری از تحمیل

خسارت به اموال شهروندان تأکید دارد که این خود نقش مهمی در مطالبه خسارت از حیث شناسایی عامل بروز خسارت اهمیت خاصی دارد. قاعده احترام به اموال نیز به نوبه خود حاوی این پیام اخلاقی و قانونی به دولت و دستگاههای عمومی وابسته به آن است که از دخالت نابجا، خودسرانه و فراقانونی در اموال و دارایی‌های مردم پرهیز کنند و در صورت اثبات، بر عهده قانون است که مطالبه خسارت را حق شهروند و یا اشخاص و نهادهای حقوقی تلقی نموده و برای ستاندن حقوق تضییع شده اقدامات لازم را انجام دهد.

۸. سهم نویسندگان

نویسندگان مقاله به صورت برابر و مشترک مقاله را به رشته تحریر درآورده‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- احسائی، ابن جمهور، محمد بن علی، عوالی اللعالی العزیزیه، جلد ۳، قم، انتشارات سید الشهداء، ۱۴۰۵ ق.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۱، چاپ ۳۹، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹.
- انصاری، مرتضی، المکاسب، جلد سوم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
- انصاری، مسعود، طاهری، محمد علی، دانشنامه حقوق خصوصی، جلد ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات محراب، ۱۳۸۴.
- بجنوردی، سید میرزا حسن، القواعد الفقهیه، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۶.
- بهشتیان، سید محسن، تملک اراضی توسط شهرداری‌ها، چاپ ۴، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۸.
- جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹.
- حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶.
- حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی، العناوین، جلد ۲، قم، ناشر موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۵.
- حلی، محمد بن حسین، ایضاح الفوائد، تعلیق حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهاردی و عبدالرحیم بروجردی، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۳۸۷.
- زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۵، تهران، انتشارات احسان، ۱۴۲۷ ق.
- سبجانی، جعفر، محمدرضایی، محمد، اندیشه اسلامی، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱.
- سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۳۸۳، مذهب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، جلد ۲۱، چاپ ۱، انتشارات فجر ایمان، ۱۳۸۳.
- شافعی، محمد بن ادریس (۱۴۰۳)، الام، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
- صفایی، سید حسن، حقوق مدنی (اشخاص و اموال)، جلد ۱، چاپ ۲۹، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۹.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط: فی فقه الامامیه، جلد ۲، تهران، انتشارات المکتب المرتضویه، ۱۳۸۷.
- فرج پور، مجید، فقر، فساد و تبعیض، موانع توسعه در ایران، تهران: نشر رسا، ۱۳۸۳.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۸، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- محقق داماد، سید مصطفی، تحولات اجتهاد شیعی، مجله تحقیقات حقوقی، دوره دوازدهم، شماره ۴۹، ۱۳۸۸.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه بخش مدنی (مالکیت- مسئولیت)، چاپ ۵۶، قم، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۹.
- محمدی همدانی، اصغر، مجموعه کامل آراء هیات عمومی دیوان اداری، سالهای ۱۳۷۶-۱۳۷۸، تهران، انتشارات جاودانه (جنگل)، ۱۳۸۸.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان، تصحیح و ترجمه: مجتبی عراقی، علی پناه اشتهاردی.
- حسین یزدی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳.
- منتظری، حسینعلی، رساله استفتائات، تهران، نشر تفکر، ۱۳۷۳.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه فی المعاملات، قم: نشر اسماعیلیان، ۱۴۱۷ ق.
- النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، جواهر الکلام، جلد ۳۸، چاپ ۷، بیروت انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۳۲ ق.

